

## پاک‌نمایی یا تطهیر اموال کثیف ناشی از جرم<sup>(۱)</sup>

دکتر حسین میرمحمدصادقی\*

پاک‌نمایی، به معنی مخفی کردن منشأ ناسالم و آلوده درآمدهای مجرمانه، از دیرباز در میان مردم متداول بوده است. لیکن گسترش جرایمی مثل قاچاق مواد مخدر و عواید نجومی حاصل از آنها این عمل را جزء غیرقابل انفکاک جرایم مذکور ساخته و در نتیجه دولتهای جهان را مصمم به جرم‌شناختن این عمل کرده است. در این مقاله، ضمن اشاره به مفهوم پول شویی و میزان و شیوه‌های انجام آن در سطح جهان، به اقدامات بین‌المللی و اقدامات برخی از کشورها در مبارزه با این پدیده پرداخته شده و سپس وظیفه قانونگذار ایران در این زمینه مورد بحث قرار گرفته است.

### الف) مقدمه

افزایش قابل توجه تعداد جرایم ارتكابی در سال‌های اخیر امری کتمان‌ناپذیر است. طبق گزارش دبیرخانه سازمان ملل متحد، میزان جرایم گزارش شده در سطح جهان به طور متوسط سالانه پنج درصد افزایش داشته<sup>(۲)</sup> که از رشد جمعیت و نیز از رشد اقتصادی اکثر کشورها بالاتر است.<sup>(۳)</sup> به علاوه، امروزه با به واقعیت نزدیک شدن نظریه «دهکده جهانی» بسیاری از این اعمال مجرمانه با فراتر رفتن از محدوده مرزهای یک کشور به بار می‌نشینند و بنابراین همکاری بین کشورهای مختلف برای مبارزه با این گونه جرایم، که عمدتاً از زمره جرایم سازمان یافته<sup>(۴)</sup> می‌باشند، امری کاملاً ضروری و اجتناب‌ناپذیر شده است. از جمله

۱- متن مقاله ارائه شده به همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر برگزار شده از سوی قوه قضائیه در تاریخ ۲۲-۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۹.

\* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی؛ رئیس دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری  
۲- با در نظر گرفتن جرایم گزارش نشده، این رقم به میزان قابل توجهی بالا می‌رود.

3- Doc. A/Conf.144/6 cited in E.Vetere, "The Role of the U.N Working for More Effective International Cooperation" in Principles and Procedures for a New Transnational Criminal Law (Freiburg: Eigenverlag Max Plank Institut, 1992)pp.714-727 at p.714.

4- Organized Crime.

این جرایم که ماهیت فراملی<sup>(۱)</sup> دارد، یعنی در خارج از مرزهای یک کشور استمرار می‌یابد، جرم تطهیر یا شست‌وشوی پول<sup>(۲)</sup> است. البته این جرم محدود به شست و شوی پول نمی‌باشد بلکه تطهیر همه اموال کثیف ناشی از جرم را در برمی‌گیرد، لیکن مبتلا به ترین حالت آن تطهیر پول، آن هم پول حاصل از فروش مواد مخدر، که به میلیون‌ها دلار در هر ماه بالغ می‌شود، است. این جرم، علاوه بر ماهیت فراملی، ماهیت سازمان یافته نیز دارد و این امر مبارزه با آن را مشکل‌تر می‌سازد. در جرایم فردی و غیرسازمانی با دستگیر شدن مجرم اعمال مجرمانه او پایان می‌پذیرد ولی در جرایم سازمان یافته پس از دستگیر شدن یکی از افراد باند یا سازمان بلافاصله فرد دیگری جانانشین او شده و اعمال مجرمانه ادامه می‌یابد. برای مثال، کارت‌های مواد مخدر صدها نفر را در سراسر جهان در استخدام خود دارند که نه تنها در جهت پخش مواد مخدر بلکه حتی در زمینه اموری مثل تأثیرگذاری بر افکار عمومی، یا تلاش برای تدوین قوانین مناسب که کار آنها را تسهیل می‌کند<sup>(۳)</sup>، یا جلب نظر سیاست‌مداران یا نمایندگان پارلمان‌های دنیا یا افراد مؤثر در نیروهای پلیس جهت همکاری با آنها و نظایر آن فعالیت می‌کنند و هزینه زیادی را برای این امور متحمل می‌شوند. پول و قدرت ناشی از این گونه جرایم سازمان یافته در جهت تضعیف نظام اقتصادی و بعضاً حتی سیاسی یا قضایی کشورها، به کار می‌رود. وقتی بودجه سالانه بسیاری از کشورهای فقیر و کوچک دنیا از درآمد سالانه برخی از سازمان‌های جهانی مواد مخدر بسیار کمتر است تردیدی باقی نمی‌ماند که اینگونه سازمان‌ها می‌توانند نقش مهمی در تحمیل خواسته‌های خود بر سرنویشت آن کشورها و یا حتی به مزدوری کشاندن سیاست‌مداران، مأموران دولتی،

۱- Transnational یا Supranational. برخی از نویسندگان حقوق جزای بین‌الملل بین این نوع جرم و جرم بین‌المللی (international crime) تفاوت قایل شده‌اند. به نظر آنها دسته اول، که ما آنها را «جرایم ماورای ملی یا فراملی» نامیده‌ایم، جرایمی هستند که معمولاً ارتکاب آنها مستلزم گذشتن از مرزهای یک کشور است، مثل هواپیمارمایی و سرقت اموال تاریخی و فرهنگی. از سوی دیگر، «جرایم بین‌المللی» جرایمی هستند که به صلح و امنیت بشری یا به ارزشهای مشترک مورد قبول جامعه بشری خدشه وارد می‌سازند، از قبیل تجاوز ارضی (aggression) نسل‌کشی (genocide) و شکنجه (torture). این تفکیک البته فایده عملی چندانی دربر ندارد ولی در صورت پذیرفتن آن، جرم مورد بحث ما در این مقاله جزء دسته اول قرار می‌گیرد.

## 2- Money laundering.

۳- برای مثال، این گروهها در آمریکا تلاشهایی برای عدم شمول قوانین راجع به استرداد مجرمین نسبت به قاچاقچیان مواد مخدر انجام داده‌اند.

قضات، افراد پلیس و مأموران مالیاتی و خرید آنها با پول بادآورده داشته باشند. به دلیل همین وابستگی مستقیم یا غیرمستقیم این گونه کشورها به شبکه‌های مجرمانه بین‌المللی و عدم تمایل آنها به همکاری با سایر کشورها است که مبارزه با جرم پول‌شویی در سطح جهانی مشکل می‌شود. منظور ما از وابستگی غیرمستقیم آن است که حیات برخی از کشورها مثل سوئیس یا برخی از جزایر کوچک در کارائیب و امثال آن که به «بهشت مالیاتی» (Tax Haven) مشهور هستند وابسته به حساب‌های بانکی مفتوح شده توسط افراد و حفظ اصل رازداری از سوی بانک است. در صورتی که این اصل در نتیجه همکاری‌ها و مبادله اطلاعات در سطح بین‌المللی جهت تشخیص پول‌های مشکوک خدشه‌دار شود، بیم آن می‌رود که مردم تمایلی به افتتاح حساب در بانک‌های این کشورها نداشته باشند و در نتیجه پایه‌های اقتصادی این کشورها متزلزل می‌گردد. بنابراین این کشورها با ایجاد بانکها و مراکز اقتصادی مناسب در واقع «شست و شو خانه‌ای» برای پول‌های مشکوک می‌گردند.

منظور از تطهیر مال، که موضوع بحث ما در این مقاله است، مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آنها به اموال پاک می‌باشد، به طوری که یافتن منبع اصلی مال غیرممکن یا بسیار دشوار گردد. این روند را می‌توان بایک مثال ساده در حقوق داخلی توضیح داد. هرگاه سارقی درصدد فروختن قطعه جواهری که دزدیده است برآید احتمال دستگیری او بسیار بیشتر از وقتی است که جواهر دزدیده شده را در معاملات گوناگون که با همدست‌های خود انجام می‌دهد به ترتیب تبدیل به مثلاً فرش، لوازم برقی و البسه‌گرا نقیصت کرده و سپس درصد فروختن آنها در بازار برآید. تأثیر سوء این عمل در جرایم سازمان یافته بیشتر است. در این گونه جرایم روند پول‌شویی معمولاً باعث خروج مال از یک کشور و عدم دستیابی مأموران به آن می‌گردد. به علاوه تنها عامل ایجاد ارتباط بین رهبران سازمان‌های مجرمانه و اعمال مجرمانه آن سازمان، پول یا مال ناشی شده از جرم می‌باشد. عمل تطهیر پول باعث می‌شود که دستیابی به این رهبران مشکل شود و آنان بتوانند به راحتی و با آرامش خیال از عواید اعمال مجرمانه سازمان بهره‌برند.

البته مخفی کردن پول یا مال از چشم دیگران کار تازه‌ای نیست. از قرن‌ها قبل مردم با روش‌های بسیار ابتدایی خود اموال شان را از چشم‌های حسود و دست‌های ناپاک مخفی می‌کرده‌اند و مجرمین نیز همواره سعی در پاک جلوه دادن خود داشته‌اند. آنچه که در این

میان جدید است جرم شناخته شدن عمل مخفی کردن منشاء اموال ناشی از جرم به طور مستقل از جرم اصلی می‌باشد که از اواسط دهه هشتاد مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد، و کشورهای مختلف دنیا قرار گرفته است. تا قبل از این تاریخ مقننین دنیا توجهی به جرم محسوب کردن این عمل نداشتند و مجرمان بین‌المللی به سهولت می‌توانستند پول‌ها و اموال ناشی از قاچاق مواد مخدر یا گروگان‌گیری و آدم‌ربایی یا رشوه‌های اعطایی توسط شرکت‌های چند ملیتی به سران کشورها برای ترغیب آنها به انعقاد قراردادهای سودآور و یا سایر جرایم را مخفی ساخته یا به فراسوی مرزهای یک کشور انتقال دهند و یا به مال دیگری تبدیل کنند.

دلیل انتخاب واژه «پول‌شویی» برای این عمل آن است که این روند مثل یک شست‌و شو خانه یا ماشین لباس‌شویی، که چرک و کثافت را از لباس‌ها جدا می‌کند، عمل کرده و با جدا کردن کثافات ناشی از جرم از پول، یا هر مال دیگر ناشی از جرم، آن را پاک می‌سازد.<sup>(۱)</sup> همین‌طور گفته شده است که این واژه از دهه‌های بیست و سی در آمریکا بر سر زبان‌ها افتاده و اشاره دارد به شست‌و شو خانه‌هایی که مافیا آنها را از پول نامشروع حاصل از قمار، قاچاق، فحشا و نظایر آنها خریداری کرده بود و پول کثیف را به داخل آنها تزریق می‌نمود.<sup>(۲)</sup> البته برخی نیز شیوع این واژه را از هنگام ماجرای واترگیت در اواسط دهه هفتاد در زمان ریاست جمهوری نیکسون در آمریکا دانسته و از لحاظ حقوقی نیز آغاز استفاده از آن را به یک دعوی آمریکایی<sup>(۳)</sup> در سال ۱۹۸۲ مرتبط کرده‌اند. در هر حال منشاء این واژه هر چه که باشد، امروزه این واژه به عنوان یک واژه تخصصی در سراسر جهان پذیرفته شده و شست‌و شوی اموال کثیف ناشی از قاچاق مواد مخدر، با توجه به این که معمولاً مستلزم گذر از مرزهای کشورهای مختلف است، از نظر کشورهای جهان و سازمان ملل متحد یک مشکل بین‌المللی و تهدیدی برای نظام مالی جهانی محسوب می‌شود که باید با همکاری کلیه کشورها با آن مبارزه شود، زیرا این کار می‌تواند بر اقتصاد سالم اثر سوء بگذارد. برای مثال

- 1- D.A Chaikin, "Money Laundering as a Supranational Crime" in principles and procedures...p.416
- 2- Paula M.Reid in "Money Laundering: An Irish Perspective" in Money Laundering Control (Dublin; Sweet & Maxwell, 1996) pp.206-227 at p.207 citing W.Gilmore in "Money Laundering: The International Aspect" in Hume Papers on public, Vol.1.No. 2,pp. 1-11 at p.1
- 3- 1 U.S VS 4255,625.39 (1982) 551 F Supp 314.

در میامی قاچاقچیان بزرگ مواد مخدر توانستند با پول گزافی که در اختیار داشتند سرمایه‌گذاری افراد عادی را دچار مخاطره نمایند، که نمونه آن در قضیه بانک بین‌المللی اعتبار و تجارت رخ داد.

### ب) میزان «پول شویی» در سطح جهان و شیوه‌های انجام آن

تخمین دقیق میزان پول‌شویی در سطح جهان کار مشکلی است ولی در هر حال می‌توان گفت که میزان آن بسیار زیاد است. گروه ویژه‌ای که توسط کشورهای صنعتی گروه هفت برای بررسی موضوع پول‌شویی تشکیل شد عواید ناخالص حاصل از قاچاق مواد مخدر را در سطح جهان سیصد میلیارد دلار تخمین زده است که این رقم توسط سازمان ملل متحد هم در سال ۱۹۸۷ ارائه شده است.<sup>(۱)</sup> در آمریکا و اروپا وجه ناشی از خرده فروشی هروئین، کوکائین، و کانابیس به ۱۲۲ میلیارد دلار در سال بالغ می‌شود، که این مبلغ از تولید ناخالص ملی برخی از کشورها بیشتر است. از این مبلغ، ۸۵ میلیارد دلار را سود تشکیل می‌دهد که باید «شست و شو» داده شود.<sup>(۲)</sup> مطابق همین گزارش، قاچاقچیان مواد مخدر در آمریکا و اروپا در هر دقیقه ۲۳۲۱۵۵ دلار درآمد دارند که همه آن باید مشمول پول‌شویی قرار گیرد.

تخمین‌ها در سطح جهانی آن است که تقریباً یک تریلیون دلار در سال مشمول «شست و شوی پول» قرار می‌گیرد که حدود ۱٪ تولید ناخالص ملی آمریکا است. در سیستم بانکی آمریکا نیز میزان پول‌شویی (در مورد همه جرایم) حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار در سال تخمین زده شده است، که حداقل ۵۰ میلیارد دلار آن مربوط به کاکوئین است.<sup>(۳)</sup> علیرغم عدم دقت این گونه تخمین‌ها و آمارهای متفاوتی که از سوی مراجع مختلف ارائه شده است، این گونه ارقام می‌توانند ذهن خوانندگان را نسبت به میزان و وسعت مشکل

1- T.Sherman, "International Effort to Combat Money Laundering: The Financial Action Task Force "Efforts in Money Laundering (Hume Papers on Public Policy. Vol. 1, No.2, Edinburgh University Press, 1943) PP.12-33 at p.14.

2- D.A Chaikin, Op.Cit. p.420.

3- J.Arrastia, "Moey Laundering - A U.S.Perspective" in Money Laundering Control, pp.228-259, at, pp.229-230

مورد بحث تا حدودی روشن سازند.

شیوه‌های تطهیر مال که از سوی مجرمین اتخاذ می‌شود با توجه به نوع جرم، ارزش مال، امکانات مجرم و نظایر آنها متنوع و متفاوت هستند. ولی علیرغم تنوع شیوه‌های پول‌شویی، در این مقاله به اختصار به برخی از انواع مهمتر آن و نیز به چند نمونه از موارد مهم پول‌شویی در سطح جهان، که توانسته است نظر مطبوعات و خبرنگاران را به خود جلب کند، اشاره می‌کنیم.

### ۱- تصفیه پول

آسانترین و معمول‌ترین شیوه پول‌شویی، تصفیه پول (refining) است. منظور از تصفیه پول تبدیل اسکناس‌های کوچک (مثلاً ۵ یا ۱۰ دلاری) به اسکناس‌های بزرگ (مثلاً ۱۰۰ دلاری) است. معتادانی که در سطح خیابان‌ها به خرید مواد مخدر برای مصرف خود دست می‌زنند معمولاً بهای مواد را با اسکناس‌های ریز می‌پردازند. این اسکناس‌ها چه بسا خود آلوده به مواد مخدر باشند. هم برای پاک کردن این آلودگی ظاهری و هم (مهم‌تر از آن) در جهت تسهیل نقل و انتقال پول باید این اسکناس‌ها «تصفیه» و تبدیل به اسکناس‌های درشت (مثلاً صد دلاری) شوند؛ چرا که یک میلیون دلار متشکل از اسکناس‌های صد دلاری، ۲۰ پوند (کمتر از ۱۰ کیلو) وزن دارد و در یک چمدان قابل جاسازی است، در حالی که اگر این اسکناس‌ها ۱۰ دلاری باشند مجموع وزن آنها به ۲۰۰ پوند بالغ شده و برای نقل و انتقال آنها به ده چمدان نیاز خواهد بود. مشکل حجم عظیم اسکناس‌های ریز حاصله از فروش مواد مخدر با توجه به گرانی این مواد در بازارهای اروپا و آمریکا و گستردگی مصرف آنها مشکل بزرگی است که قاچاقچیان مواد مخدر با آن روبرو هستند. برای روشن‌تر شدن مشکل، نمونه دیگری می‌آوریم. یک کیلو کاکوئین در خیابان‌های نیویورک معادل ۲۰ هزار دلار به فروش می‌رسد و چون هر ۴۵۰ عدد اسکناس حدود ۱ پوند (کمتر از نیم کیلوگرم) وزن دارد، قاچاقچی مواد مخدر در قبال فروش هر کیلوگرم کاکوئین نزدیک به ۳۰۰ پوند (حدود ۱۵۰ کیلوگرم) اسکناس ۱۰ و ۲۰ دلاری به دست می‌آورد که مسلماً نقل و انتقال آنها کار ساده‌ای نیست.<sup>(۱)</sup> تبدیل اسکناس‌های ریز به اسکناس‌های درشت، به طوری

که ظن کسی برانگیخته نشود، یکی از مراحل مهم در پول‌شویی است. برای این منظور معمولاً افراد مختلفی استخدام می‌شوند که وظیفه دارند روزانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار دلار را با مراجعه به شعب بانک‌های مختلف، ادارات، دفاتر پست، صرافی‌ها و سایر مؤسسات مشابه تبدیل به چک‌های مسافرتی، حواله‌ها و چک‌های بانکی و اسکناس‌های درشت کنند. این افراد برای مورد سوءظن واقع نشدن هیچ‌گاه در یک محل خاص بیش از ۳۰۰۰ دلار معامله نمی‌کنند. نباید ناگفته گذاشت که استفاده بیش از حد از این گونه افراد خود خطر نفوذ افراد نفوذی را به داخل سازمان تبهکار افزایش می‌دهد، یعنی این احتمال که یکی از این افراد به عنوان مأمور پلیس یا سایر نیروهای انتظامی به داخل سازمان نفوذ کنند افزایش می‌یابد.

پس از تبدیل اسکناس‌های ریز به اسکناس‌های درشت یا چک‌های بانکی و مسافرتی و نظایر آن، مرحله بعد خارج کردن این اسکناس‌ها یا چک‌ها از کشور است. معمولاً در کشورهایی مثل آمریکا - که محل عمده خرید و فروش مواد مخدر است - امکان واریز این پول‌های کلان به حساب‌های بانکی یا انجام خریدهای نقدی به وسیله آنها وجود ندارد، چرا که، اولاً، بانک‌ها معمولاً بدون شناسایی کامل مشتری از افتتاح حساب برای وی سر باز می‌زنند، و ثانیاً، در آمریکا نه تنها بانک‌ها بلکه افراد و مؤسساتی مثل صرافی‌ها، بنگاه‌های معاملات ملکی، بنگاه‌های فروش اتومبیل و حتی وکلای واسطه ده هشتاد طبق قانون موظف شده‌اند که موارد مشکوک و نیز معاملات نقدی بالاتر از ده هزار دلار را به مقامات دولتی گزارش دهند.<sup>(۱)</sup> بنابراین قاچاقچیان مواد مخدر راهی جز انتقال اسکناس‌ها و چک‌ها به خارج از آمریکا و گذاشتن آنها در بانک‌های کشورهای دیگر (یا مناطقی که به «بهشت مالیاتی» موسوم هستند) و سپس عندالزوم انتقال مجدد آنها از طریق سیستم بانکی بین‌المللی به بانک‌های آمریکایی ندارند. تصور حجم پولی که باید نگهداری شده و بدین

<sup>1</sup>in Money Laundering Control, pp.361 - 382, at p.362.

۱- نگاه کنید به دو قانون: Money Laundering Control Act مصوب سال ۱۹۸۶ و Money Laundering Prosecution Improvement Act مصوب سال ۱۹۸۸. تا سال ۱۹۹۰ حدود پانزده هزار وکیل در آمریکا گزارش داده‌اند که از وکلای خود حق الوکاله بالای ده هزار دلار گرفته‌اند ولی با استفاده از محرمانه بودن روابط بین وکیل و موکل (که خود مشکلی برای پلیس شده است) از ذکر نام موکلان خود خودداری کرده‌اند.

ترتیب همه روزه از آمریکا خارج می‌شود مشکل است، ولی گفته می‌شود که همه هفته هزاران تِن پول نقد از آمریکا (مخصوصاً از طریق خاک مکزیک) خارج می‌شود.

## ۲- استفاده از بانک‌های فاسد

در بسیاری از کشورها (برخلاف کشورهای دیگر مثل استرالیا) افتتاح حساب با نام غیرواقعی جرم محسوب نمی‌شود. بنابراین قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر می‌توانند با همکاری برخی بانک‌ها حساب‌های جعلی افتتاح و با واریز پول نقد به آنها نسبت به انتقال وجه به خارج از کشور اقدام نمایند. این گونه بانک‌ها برای جلب سرمایه‌های کلان سپرده‌گذاران ناسالم از اخذ اوراق شناسایی کامل یا گزارش کردن موارد مشکوک به مقامات دولتی خودداری می‌کنند و بدین وسیله بهترین امکان را در اختیار قاچاقچیان مواد مخدر برای پول‌شویی قرار می‌دهند، زیرا هرگاه پول کثیف در ابتدای ورود به سیستم بانکی کشف نشود پس از آن با انتقال‌های کامپیوتری و تلگرافی سریع و پی‌درپی می‌تواند به بانک‌ها و حساب‌های مختلف برده شود و کشف آن بسیار مشکل گردد، چراکه مثلاً در آمریکا روزانه یک تریلیون دلار و چهار صد هزار معامله وارد سیستم اتاق‌های تهاتر بانکی می‌شود؛ یا در یک مورد اخیر، پنهان‌سازی نقل و انتقال غیرقانونی پول، مؤسسات بانکی و غیربانکی چهل کشور جهان در بر گرفته بود.<sup>(۱)</sup>

بنابراین کنترل پول درست مثل کنترل انسانی است که قصد ورود غیرمجاز به داخل یک کشور را دارد. هر چند در مرز ورودی می‌توان با کنترل اوراق هویت و روادید و غیره به آسانی از ورود او جلوگیری کرد ولی در صورت عدم دقت در مرزو ورود به داخل کشور ردیابی وی بسیار مشکل خواهد بود؛ یا مثل یک ظرف آب آلوده که در ابتدای واریز شدن به داخل یک حوض آب به دلیل تلاطمی که ایجاد می‌کند قابل شناسایی است ولی پس از واریز شدن، بخشی از آب داخل حوض را تشکیل داده و قابل تفکیک از آن نخواهد بود. بدین ترتیب نقش بانکها در خودداری از قبول پول‌های مشکوک بسیار مهم است که در همین رابطه وظایف متعددی در کشورهای اروپایی و آمریکا برای بانک‌ها تعیین شده است، که

۱- D.A Chaikin, op. cit, p.435; David A. Andelman "The Drug Money Maze", Foreign Affairs, Vol.73, No.4(July, August 1994)p.106.



قبلاً به یک مورد از آنها در قوانین آمریکا اشاره کردیم. لیکن متأسفانه با توجه به این که وجوه گزاف حاصل از جرایم، مخصوصاً مواد مخدر، محل درآمد قابل توجهی برای بانکها، به ویژه در کشورهای کوچک و «بهشت‌های مالیاتی»، از قبیل جوایز کارائیب و نظایر آن، محسوب می‌شوند، و چه بسا علاوه بر منافع معمول بانکی درصدی نیز به بانک برای کمک به پول‌شویی اختصاص داده شود، بانک‌هایی یافت می‌شوند که به قاچاقچیان در امر تطهیر پول کثیف کمک‌های شایانی کرده و با وارد نمودن پول آنها به سیستم بانکی آن را تبدیل به پول پاک می‌کنند. گفته می‌شود که در برخی از این مناطق تأسیس بانک آن چنان است که با هزینه‌ای معادل ۶۰ دلار می‌توان به تأسیس بانک دست زد.<sup>(۱)</sup> درآمد این گونه بانکها برای تطهیر پول‌های کثیف بسیار وسوسه انگیز است. در یک مورد، از یکی از بانکهای واقع در کارائیب خواسته شده بود که با قبول ۳۰۰ میلیون دلار جهت واریز به یک حساب بانکی، سه درصد کمیسیون (یعنی ۹ میلیون دلار) دریافت نماید. مسؤولان بانک برای انجام این معامله وسوسه‌انگیز آمادگی کامل داشتند ولی مأموران دولتی موضوع را فهمیده و جواز بانک را معلق کردند.<sup>(۲)</sup>

تمایل قاچاقچیان به استفاده از سیستم بانکی برای تطهیر پول‌های خود آنچنان است که گاهی مقامات کشف جرم جهت شناسایی این گونه پولها و دستگیری صاحبان آنها اقدام به تشکیل بانک‌های قلابی در جزایر و کشورهای کوچک می‌کنند. برای نمونه در سال ۱۹۹۳ مأموران اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا با استفاده از وجوه حاصل از کشف پول‌های ناشی از مواد مخدر، یک بانک قلابی را در انگلیا تأسیس کردند که مرکز آن در آتلانتا (جورجیا) بود. هزینه بانکداری تعیین شده عمده آن چنان بالا تعیین شده بود که مشتریان عادی جذب این بانک نشوند. با توجه به خدمات به ظاهر خوبی که این بانک ارائه می‌کرد به زودی قاچاقچیان زیادی برای تطهیر پول‌های خود به آن مراجعه کردند و با پایان یافتن عملیات در سال ۱۹۹۴، تعداد ۸۸ نفر دستگیر و کشته و ۹ تن کاکوئین و ۴۰ تن حشیش کشف شد. همین عملیات باعث شد که دولت ایتالیا بتواند یک بانک وابسته به مافیا را، که برای تسهیل امر پول‌شویی تأسیس شده بود، کشف و تعطیل کند.

بانک‌های کشورهای مثل اسرائیل نیز، با توجه به نیاز فراوان به نقدینگی، به امر تطهیر پول‌های کثیف می‌پردازند. در این راستا، جراید انتقاد یکی از افراد پلیس اسرائیل را چاپ کرده‌اند که بنا به گفته وی:

«گروه‌های سازمان یافته تبهکار از فرصتی که قانون لیبرال پول در اسرائیل در اختیار آنها می‌گذارد برای شست و شوی سرمایه‌های آلوده خود استفاده می‌کنند.»<sup>(۱)</sup> شعبه ژنو یک بانک اسرائیلی هم برای تطهیر عواید نوریگا از قاچاق مواد مخدر مورد استفاده قرار می‌گرفته است.<sup>(۲)</sup> در ۲۸ ژوئن ۱۹۹۵ رئیس پلیس اسرائیل، «عساف هفتز» اظهار داشت که بیم آن می‌رود که پول مافیای روسیه برای حمایت از برخی از نامزدهای انتخابات سال ۱۹۹۶ اسرائیل به کار می‌رود. وی تخمین زد که میزان پول تطهیر شده توسط مافیا از طریق اسرائیل طی پنج سال گذشته در حدود چهار میلیارد دلار بوده است.<sup>(۳)</sup>

امر پول‌شویی گاهی توسط بانک‌های کشورهای معتبر به طور ناخواسته انجام می‌گیرد. با توجه به این که در این گونه کشورها مثل سوئیس، که اقتصاد آنها مبتنی بر فعالیت‌های بانکی است، تأکید بسیاری بر سرری بودن اطلاعات بانکی مشتریان صورت می‌گیرد تا تمایل سپرده‌گذاران به استفاده از سیستم‌های بانکی این کشورها کاهش نیابد، این احتمال وجود دارد که بانک‌های این کشورها به طور ناخودآگاه محل مطمئنی برای پول‌شویی گردند. کشور سوئیس تحت فشار آمریکا مجبور به پذیرش توافق نامه دو جانبه بین دو کشور مبتنی بر تبادل اطلاعات بانکی و لغو حساب‌های فقره (ب) (Category B) خود که در واقع فوق سری بودند شد.

### ۳- استفاده از پوشش‌های تجاری مشروع

راه دیگر برای شستشوی پول، استفاده از پوشش‌های تجاری مشروع برای پنهان کردن منبع اصلی پول‌های کثیف است. این کار به طرق گوناگونی قابل انجام می‌باشد. برای

۱- کیهان هرابی، ۱۳۷۶/۴/۱۸

2- K.A. Tellis, "The World of Drugs" in Transnational Organized Crime, Vol.I, Spring 1995, No 1, PP.102-117. at P.111

3- Agence France presse/28 June 1995, Cited in Transnational Organized Crime, Vol.1, Winter 1995, No.4, P.193.

مثال باندهای قاچاق مواد مخدر ممکن است با ایجاد مغازه‌ها و مراکزی که پول نقد فراوانی از مشتری می‌گیرند، مثلاً رستوران‌ها، کازینوها و قمارخانه‌ها، پول ناشی از مواد مخدر را جزء درآمد این مراکز جا زده و آن را بدون مشکل به حساب‌های بانکی خود واریز نمایند. آنان برای از بین بردن هرگونه سوءظن ممکن است حتی این پول‌ها را جزء درآمد مشمول مالیات این مراکز تجاری نیز قلمداد کرده و مالیات آن را هم بدهند، که در این صورت سهام آن فعالیت تجاری نیز به تصور پرفایده بودن آن ترقی خواهد کرد. نمونه بارز این شیوه در حدود سال ۱۹۸۵ اتفاق افتاد. گروه مافیایی کازانوسترا Casa Nostra، که در آن زمان عمده بازار قاچاق مواد مخدر را در آمریکا در اختیار داشت، ترتیبی داده بود که برخی از ایتالیایی‌های مقیم نیویورک، که مورد اعتماد گروه بودند، تعدادی پیتزافروشی و رستوران‌های دیگر را در این شهر خریداری نمایند. پول ناشی از فروش مواد مخدر تحت عنوان درآمد نقدی این رستوران‌ها به بانک‌های آمریکا گذاشته می‌شد. این موضوع تحت عنوان Pizza Connection در مطبوعات آمریکا انعکاس یافت.<sup>(۱)</sup> توسل به عملیات مجازی و صورتحساب‌های نادرست هم یکی از شیوه‌های معمول برای پول‌شویی است. در یک مورد، تهیه صورت حساب‌های ساختگی برای صادرات صوری میوه از جزیره سیسیل در ایتالیا برای یک شرکت قلابی تولیدکننده آب میوه در لندن باعث شده بود که ۴۶ میلیون دلار پول حاصل از قاچاق هروئین به بانکی در سوئیس واریز گردد.<sup>(۲)</sup>

دولت آمریکا برای مبارزه با پول‌شویی از طریق تجارت‌های مشروع مطابق بخش ۶۰۵۰ قانون مالیات Internal Revenue Code کسانی را که مشغول کسب و تجارتمی بوده و در یک معامله (یا دو یا چند معامله مرتبط) بیش از ده هزار دلار پول نقد دریافت می‌دارند موظف به گزارش کردن موضوع به مسئولان اداره مالیات کرده است.<sup>(۳)</sup>

استفاده از بازار خرید و فروش آثار هنری هم وسیله خوبی برای تطهیر پول ناشی از فروش مواد مخدر از طریق تبدیل آن به آثار هنری است. بازار هنر یک بازار متنوع و بین‌المللی است که نظارت چندانی نیز بر آن وجود ندارد؛ ضمن آن که آثار هنری، مثلاً

1- R. Clutterbuck, op.cit, p.101.

2- R. Clutterbuck, op.cit, p.101.

3- Inland Revenue Services=I.R.S.

تابلوه‌های نقاشی، می‌توانند هزاران و گاهی میلیون‌ها دلار ارزش داشته باشند و در نتیجه وسیله خوبی هستند برای تبدیل هزاران یا میلیون‌ها دلار اسکنااس کثیف به یک تابلوی کوچک قابل حمل و نقل که همیشه در بازار بین‌المللی هنر قابل تبدیل شدن به پول است.<sup>(۱)</sup> بدین ترتیب گفته می‌شود که در عرض ده سال گذشته بازار هنری لندن مملو از آثار هنری دزدی شده بوده و آثار هنری بسیاری با استفاده از وجوه حاصل از قاچاق مواد مخدر و سایر جرایم خریداری شده‌اند.<sup>(۲)</sup>

یک نمونه از استفاده از هنر برای تطهیر پول‌های کثیف، مورد کسی بود که از یک نقاش فرانسوی خواسته بود تا تصاویری را برای وی نقاشی و در مقابل هر یک ۲۰۰ پوند دریافت دارد. وی سپس با از بین بردن این نقاشی‌ها و تهیه رسیده‌های جعلی وانمود کرد که این نقاشی‌ها را به بهای ۲۰۰۰ پوند فروخته است و تفاوت بین این دو مبلغ را، که در واقع پول ناشی از قاچاق مواد مخدر بود، به حساب بانکی خود واریز کرده بود. طبیعی است که حتی در صورت مشکوک شدن پلیس و استعمال از نقاش فرانسوی وی قبول ۲۰۰ پوند برای کشیدن هر نقاشی را تأیید می‌کرد.<sup>(۳)</sup>

### ج) اقدامات جهانی به منظور مبارزه با پول‌شویی

در این بخش به بررسی اقدامات دسته‌جمعی کشورها از طریق سازمان‌های جهانی یا معاهدات و پیمان‌های دو یا چند جانبه برای مبارزه با جرم تطهیر پول می‌پردازیم. این اقدامات نمونه بارزی از توسعه حقوق جزای بین‌الملل به ویژه در زمینه مبارزه با جرایم سازمان یافته می‌باشند.

یکی از بارزترین تلاش‌ها در جهت مبارزه با قاچاق مواد مخدر و نتیجه طبیعی آن، یعنی جرم تطهیر پول ناشی از فروش مواد مخدر، «کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق مواد روان‌گردان»<sup>(۴)</sup> است که به «کنوانسیون مواد مخدر سازمان ملل متحد»<sup>(۵)</sup> معروف بوده

1- C. Hill, "MONEY LAUNDERING - A Work of Art in Money Laundering Control, pp.34-40, at p.35.

2- ibid., p.35.

3- R.Clutterbuck, op.cit.,p.99.

4- The U.N Convention Against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances.

5- U.N.Drug Convention.

و در دسامبر ۱۹۸۸ در وین منعقد شده است. این کنوانسیون از یازدهم نوامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شده و در حالی که تا مارس ۱۹۸۹، ۸۹ کشور آن را امضاء کرده بودند در حال حاضر بیش از ۱۱۵ کشور آن را امضاء و تأیید کرده‌اند. در این کنوانسیون، دولت‌های عضو ملزم شده‌اند که تطهیر پول ناشی از مواد مخدر را، که در ماده b(۱)۳ و c(۱)۳ کنوانسیون تعریف شده است، در قوانین داخلی خود جرم بشناسند. فراین و نشانه‌هایی در دست است که نشان می‌دهد سازمان ملل متحد در صدگسترش دیدگاه خود نسبت به جرم پول‌شویی و تسری آن به کلیه اموال ناشی از جرم (و نه صرفاً پول ناشی از قاچاق مواد مخدر) می‌باشد.<sup>(۱)</sup> در سال ۱۹۸۸ ایتروپول (پلیس بین‌الملل) که مقر آن در لیون فرانسه است و برای تضمین همکاری بین نیروهای پلیس جهان از طریق تبادل اطلاعات ایجاد شده است، یک گروه کاری برای تعیین مکانیزمی جهت جمع‌آوری و تبادل اطلاعات بین کشورها ایجاد کرد و در مارس ۱۹۹۲ نیز با ایجاد سیستمی جهت انجام تحقیقات<sup>(۲)</sup> امکان دست‌یابی کشورها را به اطلاعات یکدیگر در مورد جرم پول‌شویی فراهم ساخت. البته هر کشور حق دارد از قبل تعیین نماید که کدام یک از کشورها حق دست‌یابی به اطلاعات آن کشور را دارند.<sup>(۳)</sup> مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم به موجب قطعنامه ۴۵/۱۲۳ از اعضاء درخواست نموده است که مقررات قانونی خود را در مورد پول‌شویی و مبارزه با جرایم سازمان یافته در اختیار دبیرکل بگذارند. در نتیجه از اعضاء به موجب سه یادداشت notes verbales تاریخ‌های ۶ مارس ۱۹۹۱، ۷ نوامبر ۱۹۹۱ و ۶ ژوئیه ۱۹۹۲ درخواست شده است که این کار را انجام دهند. در حال حاضر ۴۶ دولت عضو این اطلاعات را ارائه کرده‌اند که بررسی این پاسخ‌ها نشان می‌دهد که برخی از دولت‌ها در این زمینه اقدامات قابل توجهی را انجام داده‌اند، در حالی که برخی دیگر چندان موفق عمل نکرده‌اند. به علاوه اکثر کشورها تنها در زمینه مواد مخدر اقداماتی را انجام داده‌اند.

یکی از آخرین اقدامات جهانی برای مبارزه با پول‌شویی کنفرانس برگزار شده در کومایور Comayeur در کشور ایتالیا در سال ۱۹۹۴ است که به لزوم کنترل پول‌شویی و

2- Automated Search Facility.

3- R.Clutterbuck, op.cit.,PP. 106-107

ممانعت از استفاده از عواید ناشی از جرم می‌پردازد. در سطح منطقه‌ای نیز اقداماتی برای مبارزه با تطهیر اموال کثیف ناشی از جرم انجام شده است، که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

توصیه مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۰<sup>(۱)</sup> کمیته وزیران شورای اروپا به دول عضو در مورد اقداماتی که باید برای مبارزه با انتقال و اخفای پول حاصل از جرم انجام دهند. مطابق این متن، دول عضو باید اطمینان حاصل کنند که بانکها با ملاحظه مدارک رسمی، هویت مشتریان خود را احراز نمایند.

در اعلامیه کمیته بازل در مورد جلوگیری از استفاده از سیستم بانکی برای تطهیر پول ناشی از جرم<sup>(۲)</sup> که در دسامبر ۱۹۸۸ در شهر بازل در کشور سوئیس منعقد شده و به وسیله مقامات بانکی دوازده کشور (کشورهای گروه هفت یعنی کانادا، آمریکا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و انگلستان) به علاوه سه کشور بنلوکس (یعنی هلند، بلژیک و لوگزامبورگ) و به همراه سوئد و سوئیس تهیه شده است، برخی از اصولی که مؤسسات مالی باید رعایت کنند مورد اشاره قرار گرفته‌اند، از جمله این که بانکها باید هویت مشتریان خود را احراز نمایند، از مساعدت و کمک به عملیاتی که ممکن است به پول شویی ارتباط پیدا کنند پرهیز نموده و در صورت لزوم روابط خود را با چنین مشتریانی قطع کنند.

چهل توصیه مورخ ۷ فوریه ۱۹۹۰ گروه مالی ویژه تشکیل شده توسط کشورهای گروه هفت<sup>(۳)</sup> (که توسط این کشورها در ژوئیه ۱۹۸۹ در اجلاس اقتصادی پاریس ایجاد شد) در زمینه تطهیر پول‌های کثیف را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. توضیح آن که بعدها هشت کشور صنعتی دیگر (استرالیا، اتریش، بلژیک، اسپانیا، لوگزامبورگ، هلند، سوئد و سوئیس) به این تعداد افزوده شدند و سپس تعداد کشورهای آنها به ۲۸ رسید.<sup>(۴)</sup> این گروه از بودجه‌ای بالغ بر ۴ میلیون فرانک فرانسه برخوردار بوده و دبیرخانه‌ای متشکل از سه نفر دارد.

۱- آنهایی که دول عضو را ملزم به جرم شناختن عمل تطهیر پول‌های ناشی از قاچاق

1- No R(80) (10)

2- Declaration of Principle by the Committee on Banking Regulation and Supervisory Practices

3- Financial Action Task Force (FATF)

۴- اعضای این گروه در حال حاضر عبارتند از: ۱۵ عضو ذکر شده در متن به علاوه تمامی کشورهای عضو OECD (به جز مکزیک) اتحادیه اروپا، شورای همکاری خلیج فارس، هنگ‌کنگ و سنگاپور.

مواد مخدر و سایر جرایم مهم کرده است.

۲- مقرراتی که در جهت بهبود همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه پیش‌بینی شده است.

۳- مقرراتی راجع به مراکز مالی، از قبیل بانک‌ها، در جهت توجه بیشتر به معاملات غیرعادی و مشکوک و گزارش موارد مشکوک به مقامات ذیصلاح.<sup>(۱)</sup>

پس از انجام این توصیه‌ها گروه مالی نسبت به وضعیت اعضاء بررسی‌هایی را انجام داد تا ببیند که آیا آنها این توصیه‌ها را عملی ساخته‌اند یا خیر، که از جمله وضعیت کشور سوئیس در ماه مارس ۱۹۹۳ مورد رسیدگی قرار گرفت.<sup>(۲)</sup> توصیه‌های این گروه نقش مهمی در تدوین دستورالعمل شورای اروپا که در زیر مورد اشاره قرار خواهد گرفت داشته است. در سطح منطقه‌ای، «کنوانسیون شورای اروپا در مورد پول‌شویی، جستجو، توقیف و مصادره عواید حاصل از جرم»<sup>(۳)</sup> که در هشتم نوامبر ۱۹۹۰ منعقد شده است، نیز از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. هدف اصلی از انعقاد این کنوانسیون حمایت از همکاری قضایی بین کشورها جهت تسهیل امر مصادره اموال و عواید حاصل از جرم می‌باشد. این کنوانسیون، که یکی از نوزده کنوانسیون است که تاکنون شورای اروپا مورد تصویب قرار داده است، در حال حاضر توسط دوازده کشور عضو امضاء شده و چهار کشور دیگر نیز به طور رسمی اعلام داشته‌اند که پس از تکمیل تشریفات داخلی خود آن را امضاء خواهند کرد. انتظار می‌رود که بسیاری از کشورهای دیگر هم مفاد این کنوانسیون را مورد تأیید قرار دهند. فصل دوم کنوانسیون، که نمونه بارزی از توسعه حقوق جزای بین‌الملل است، به اقداماتی که باید برای مبارزه با پول‌شویی در سطح ملی انجام گیرد و لزوم هماهنگ شدن اقدامات ملی در این زمینه می‌پردازد.

دستورالعمل اروپایی مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۹۱، در مورد جلوگیری از مورد استفاده قرار

۱- متن این توصیه‌ها در نشریه International Legal Materials جلد XXXV مورخ ۵ سپتامبر ۱۹۹۶، صفحات ۱۲۹۱-۱۳۰۵ منتشر شده است

2- R.Sansonetti, "Money Laundering - An International perspective From Switzerland" in Money Laundering Control (Dublin: Sweet & Maxwell, 1996)pp.261-276 at p.264.  
3- Council of Europe Convention on the Laundering, Search, Seizure and Confiscation of the Proceeds from Crime.

گرفتن سیستم مالی به منظور پول‌شویی،<sup>(۱)</sup> که توسط شورای وزیران اقتصاد و امور مالی اروپا تصویب شده است، مشتمل بر اکثر توصیه‌های گروه مالی ویژه، که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، بوده و تلاشی از سوی جامعه اروپا برای مبارزه با گسترش قاچاق مواد مخدر و سایر جرایم سازمان یافته می‌باشد. مطابق ماده (۶) این دستورالعمل، دول عضو باید اطمینان حاصل کنند که تمام اشخاص دخیل کاملاً با مقامات ذیربط همکاری کرده و اعمالی را که ممکن است پول‌شویی محسوب شوند به آنان گزارش می‌دهند. این دستورالعمل، برخلاف رویه اتخاذ شده توسط دولت آمریکا که در بخش بعدی این مقاله به آن اشاره خواهد شد، وظیفه‌ای برای گزارش کردن کلیه عملیات مالی یا بانکی که میزان آنها از یک حد مشخص فراتر رود ایجاد نکرده است بلکه گزارش کردن موارد مشکوک را ضروری شمرده و در نتیجه کار را از لحاظ اجرایی آسانتر کرده است. مطابق این دستورالعمل، که تأثیر آن در تصویب قوانین لازم در زمینه پول‌شویی در کشورهای اروپایی از جمله انگلستان کتمان‌ناپذیر است،<sup>(۲)</sup> هر چند پول‌شویی یک موضوع مطروحه در حقوق جزا می‌باشد لیکن نظام‌های اقتصادی و مالی کشورها باید به گونه‌ای باشند که اجازه این کار را ندهند.

در این زمینه، اقدامات دیگری نیز در سطح منطقه‌ای انجام شده است که به دلیل کم اهمیت بودن از ذکر آنها در می‌گذریم و فقط به عنوان نمونه گزارش منتشره در لندن در اکتبر ۱۹۹۲ در مورد پول‌شویی از طریق اوراق قرضه و سایر وثایق بانکی اشاره کرده و علاقمندان را به آن ارجاع می‌دهیم.<sup>(۳)</sup>

#### د) اقدامات کشورها در راستای مبارزه با پول‌شویی

در این بخش به اقدامات قانونی انجام شده در برخی از کشورهای جهان در راستای به اجرا گذاشتن تعهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای مبارزه با تطهیر پول‌های کثیف ناشی از جرایم، از جمله جرم قاچاق مواد مخدر، می‌پردازیم.

1- European Directive on the Prevention of the Use of the Financial System for the Purpose of Money Laundering: Directive 91/308 [1991] O.J.L.166/77

۲- این دستورالعمل در انگلستان منجر به تصویب Money Laundering Regulations, 1993, Criminal Act, 1993 Justice شد که در بخش بعدی این مقاله در این مورد توضیحات بیشتری ارائه خواهیم داد.

3- The International Organisation of Commissions (Iosco) Report on Money Laundering



اولین کشوری که در این رابطه دست به اقدام زده و عمل پول‌شویی را جرم شناخته است دولت آمریکا است. این دولت با توجه به مشکلات عظیمی که در راه مبارزه با قاچاق مواد مخدر با آنها روبرو است سعی کرده است که با تصویب قوانین لازم امکان استفاده از عواید حاصل از این جرم را برای سران باندهای مجرمانه مشکل سازد. دولت آمریکا از جمله در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان با تصویب «قانون کنترل پول‌شویی» در سال ۱۹۸۶ عمل افرادی که عاملان معامله‌ای انجام می‌دهند که آن معامله مشتمل بر عواید حاصل از برخی از اعمال غیرقانونی خاص (از جمله قاچاق مواد مخدر) می‌باشد، به قصد این که ماهیت یا منبع اصلی یا مالکیت آن اموال را پنهان کرده و یا موجب اشاعه آن اعمال غیرقانونی شوند، را پول‌شویی و قابل مجازات دانسته است. این قانون از لحاظ عواید حاصل از جرم، محدود به پول؛ از لحاظ مؤسسات مشمول قانون، محدود به بانکها و از لحاظ جرم موضوع قانون، محدود به قاچاق مواد مخدر نبوده بلکه همه اموال، همه اشخاص و مؤسسات و تقریباً همه جرایم مهم منجر به اخذ مال را در برمی‌گیرد. از لحاظ عنصر روانی نیز نیازی به اثبات علم مرتکب نیست، بلکه به اصطلاح «جهل آگاهانه»، یعنی این که شخص، علیرغم احتمال بالایی که در مورد ناشی شدن اموال از جرم می‌داده است، از کاوش برای کشف حقیقت خودداری کرده است، کفایت می‌کند. علم او به جرم خاصی که اموال از آن ناشی شده است نیز ضرورت ندارد. آمریکا همچنین، به موجب بخش ۴۷۲۰ قانون «مبارزه با سوءاستفاده از مواد مخدر» مصوب سال ۱۹۸۸، وزیر خزانه‌داری این کشور را موظف کرده است تا با کشورهایی که مؤسسات مالی آنها معاملات دلاری انجام می‌دهند مذاکره کند تا مؤسسات مذکور موظف گردند که سابقه کلیه معاملات دلاری خود را نگاه داشته و آن سوابق را در صورت درخواست مقامات مسئول آمریکایی در اختیار آنها قرار دهند. وزارت خزانه‌داری آمریکا برای این منظور ۲۱ کشور را که در جهت انجام مذاکره اولویت دارند برگزیده است، لیکن مذاکرات چندان موفقیت‌آمیز نبوده و کشورهایی مثل انگلستان، سوئیس و یونان به این قانون اعتراض کرده‌اند (شبیبه اعتراضاتی که در سال‌های اخیر در مورد قانون فرامرزی داماتو داشته‌اند). اشکالات «قانون کنترل پول‌شویی» مصوب سال ۱۹۸۶ در «قانون گسترش تعقیب پول‌شویی» مصوب سال ۱۹۸۸ رفع و مطابق این قانون، همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، مؤسسات و اشخاص مختلف موظف به گزارش

کردن معاملات نقدی بیش از ده هزار دلار خود شده‌اند.

با توجه به این که شهر لندن و مؤسسات مالی مستقر در آن از مراکز عمده پول‌شویی در سطح جهان محسوب می‌شوند، که نمونه آن ماجرای بانک بین‌المللی اعتبار و تجارت است، کشور انگلستان نیز اقدامات قانونی مؤثری را برای مبارزه با تطهیر اموال کثیف ناشی از جرم انجام داده است. در این کشور اولین قانون در زمینه مبارزه با جرم پول‌شویی «قانون جرایم راجع به قاچاق مواد مخدر» مصوب سال ۱۹۸۶ است، که از ژانویه ۱۹۸۹ لازم‌الاجرا شده است. این قانون کمک کردن عالمانه به هر کس در جهت حفظ عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر، چه با پنهان کردن آن عواید چه با خارج کردن آنها از انگلستان و یا با انتقال آنها به اشخاص دیگر، را جرم دانسته است. علاوه بر این، «قانون جلوگیری از تروریسم» (مقررات موقت) مصوب سال ۱۹۸۹ نیز تطهیر پول سازمان‌های تروریستی را جرم می‌داند. دستورالعمل اتحادیه اروپا در مورد پول‌شویی،<sup>(۱)</sup> که قبلاً شرح آن گذشت، در انگلستان منجر به تصویب دو قانون در سال ۱۹۹۳ تحت عنوان «قانون عدالت کیفری» و «مقررات راجع به پول‌شویی» شد که این دومی از اول آوریل سال ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شده است. به موجب قانون اول در حال حاضر تطهیر عواید حاصل از تمامی جرایم مهم از نظر حقوق انگلستان جرم محسوب می‌شود، هر چند که عمل مجرمانه مذکور در جایی غیر از انگلستان ارتکاب یافته باشد. مقررات راجع به تطهیر عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر، که قبلاً در قانون مصوب سال ۱۹۸۶ ذکر شده بود، به وسیله «قانون (همکاری بین‌المللی) در زمینه عدالت کیفری» مصوب سال ۱۹۹۰ گسترش داده شد و در حال حاضر نیز در «قانون قاچاق مواد مخدر» مصوب سال ۱۹۹۴ گنجانیده شده است. به موجب بخش ۵۰ این قانون، کمک به یک فرد قاچاقچی در امر پول‌شویی به وسیله مساعدت به او در حفظ یا کنترل عواید حاصل از عمل مجرمانه جرم محسوب می‌شود، حتی اگر صرفاً در حد راهنمایی کردن باشد. اثبات این که فرد مذکور علم یا ظن نسبت به قاچاقچی بودن شخص یا منتفع شدن وی از قاچاق دیگری داشته است ضروری است. بخش ۵۲ قانون، گزارش نکردن موارد شبهه‌ناک پول‌شویی را توسط کسانی که در جریان شغل و حرفه خود به این اطلاعات دسترسی پیدا کرده‌اند جرم محسوب کرده است، مگر آنکه افراد مذکور دلایل معقولی برای

گزارش نکردن داشته باشند. شبیه این مقررات در بخش ۱۸۸ «قانون عدالت کیفری» مصوب سال ۱۹۹۳ وجود دارد. مطابق این بخش، مطلع نکردن مقامات از این واقعت که کمک‌های مالی برای اشاعهٔ تروریسم انجام می‌گیرد توسط کسانی که در جریان شغل و حرفهٔ خود به این اطلاعات دسترسی پیدا می‌کنند جرم محسوب می‌شود. به موجب بخش ۵۳، مطلع ساختن دیگری از این که تحقیقاتی در مورد پول‌شویی در جریان بوده یا در شرف آغاز شدن می‌باشد، در صورتی که احتمال آن برود که این امر اثر منفی بر تحقیقات بگذارد، جرم محسوب می‌شود. بخش (۱) ۴۹ قانون مصوب سال ۱۹۹۴ به شخص قاچاقچی نظر دارد و مخفی کردن عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر توسط شخص قاچاقچی یا انتقال یا خارج کردن آن از انگلستان توسط وی را جرم شناخته است.

جا دارد که در پایان بررسی مقررات حقوق انگلستان در زمینهٔ پول‌شویی اشارهٔ مختصری به مقررات موجود در حقوق ایرلند شمالی و اسکاتلند در این مورد داشته باشیم. «قانون (مقررات اضطراری) ایرلند شمالی» مصوب سال ۱۹۹۱، مقرراتی در مورد سازمان‌های تروریستی دارد. بخش ۵۳ قانون، مساعدت به دیگری در حفظ عواید حاصل از اعمال تروریستی، با علم به این که چنین شخص درگیر چنین اعمالی بوده یا از چنین اعمالی سود برده است، را جرم می‌شناسد. مطابق بخش ۵۴ این قانون، مخفی کردن، تبدیل کردن یا انتقال دادن مالی که کلاً یا جزیباً و به طور مستقیم یا غیرمستقیم، از اعمال تروریستی حاصل شده است یا خارج کردن آن از کشور جرم شناخته شده است. مطابق بخش ۵۴A، قصور از گزارش کردن موارد مشمول بخش‌های ۵۳ و ۵۴ جرم می‌باشد.

در اسکاتلند، «قانون عواید ناشی از جرم» مصوب سال ۱۹۹۵، آخرین قانون در مورد ابعاد مالی جرایم می‌باشد. این قانون تعهدات بسیاری را برای مؤسسات مالی و حتی برای سایر اشخاصی که در جریان شغل و حرفهٔ خود به ارتکاب جرمی مظنون می‌شوند پیش‌بینی کرده و به علاوه مصادره مال به کار رفته شده در ارتکاب جرم نیز در آن پیش‌بینی شده است. این قانون نتیجهٔ تطور قوانین متعدد قبلی در حقوق اسکاتلند است، که از جمله می‌توان از «قانون عدالت کیفری اسکاتلند» مصوب سال ۱۹۸۷ نام برد که در بخش ۴۳ به حالت ساده‌ای از جرم پول‌شویی اشاره کرده است. به طور خلاصه، قوانین مختلف در اسکاتلند در ارتباط با جرم پول‌شویی به پنج نوع جرم اشاره کرده‌اند:

۱- تطهیر اموال خود، یعنی اینکه خود مجرم، مثلاً قاچاقچی مواد مخدر، نسبت به پول‌شویی اقدام نماید؛

۲- مساعدت به دیگری در نگهداری عواید حاصل از جرم؛

۳- قصور از گزارش کردن موارد شبهه‌ناک پول‌شویی؛

۴- تحصیل یا تصرف عواید حاصل از جرم یا مورد استفاده قرار دادن آن؛

۵- مطلع کردن دیگری از این که تحقیقاتی در امر پول‌شویی در حال انجام است، به طوری که احتمال صدمه وارد شدن به تحقیقات در نتیجه درز کردن این خبر وجود داشته باشد. این مقررات بر اساس ماده ۸ «دستورالعمل اتحادیه اروپا» پیش‌بینی شده‌اند.

یکی دیگر از دولت‌هایی که در امر مبارزه با تطهیر اموال کثیف ناشی از جرم اقداماتی را از جمله در محدوده حقوق جزا انجام داده است دولت سوئیس است. بررسی موضع این دولت در امر مبارزه با پول‌شویی، با توجه به این که همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم اقتصاد آن بر پایه بانکداری قرار دارد و به علاوه به دلیل واقع شدن در قلب اروپا می‌تواند مشکل پول‌شویی را به قلب اقتصاد کشورهای اروپایی تزریق نماید. بازار فعال واردات و صادرات طلا و جواهرات در سوئیس نیز می‌تواند مکان مناسبی برای تطهیر پول‌های ناسالم باشد. بنابراین، نظر دولت‌های دیگر اروپایی و آمریکا همیشه متوجه اقدامات این دولت بوده است و همان‌طور که قبلاً اشاره شد دولت سوئیس تحت فشار آمریکا توافق‌نامه دو جانبه تبادل اطلاعات بانکی را امضاء کرده و حساب‌های نوع B خود را، که در واقع فوق سری بودند، لغو کرده است. در اوایل دهه هشتاد در سوئیس نیز مثل سایر کشورها نیاز به افزودن موادی به قانون جزا برای مبارزه با پول‌شویی احساس می‌شد. نهایتاً، پس از انجام تحقیقات مقدماتی، پارلمان مواد ۳۰۵a و ۳۰۵b قانون جزا را در ۲۳ مارس ۱۹۹۰ تصویب کرد که از اول اوت ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شدند. ماده ۳۰۵a، مشارکت عالمانه در امر پول‌شویی را جرم شمرده است.

بدین ترتیب جرم پول‌شویی تنها می‌تواند متعاقب یک عمل مجرمانه که در قانون جزا جرم شناخته شده است (مثلاً کلاهبرداری) رخ می‌دهد. ماده ۳۰۵b، بی‌توجهی مؤسسات یا اشخاصی را که اموال و سرمایه‌های دیگران را برای امور تجاری دریافت می‌دارند در شناسایی هویت مالک آنها جرم شناخته است. علاوه بر این دو ماده، پارلمان سوئیس اقدام

به انجام تغییرات دیگری در مقررات قانون جزای سوئیس به قصد مبارزه مؤثرتر با موضوع پول‌شویی کرده است، که از جمله می‌توان به تغییر نام مواد راجع به مصادره اموال (مواد ۵۸ به بعد قانون جزا) مقررات راجع به مجازات جرایم سازمان یافته (ماده ۲۶۰b قانون جزا) و مقررات راجع به حق (نه وظیفه) اشخاصی که با امور مالی افراد سر و کار دارند (مثل بانکداران، وکلای تجاری، مشاوران مالی و نظایر آنها) دایر بر گزارش کردن موارد مشکوک به پول‌شویی به مقامات دولتی اشاره کرد. این تغییرات توسط پارلمان در ۲۸ مارس ۱۹۹۴ تصویب و از اول اوت ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شده‌اند. در مورد تغییرات انجام شده در مجازات مصادره اموال باید به این نکته اشاره کنیم که مطابق مقررات قبلی تنها در صورتی امکان صدور حکم به مصادره اموال وجود داشت که جرم خاصی که آن اموال از آن ناشی شده بودند قابل احراز می‌بود. این محدودیت، امکان صدور حکم مصادره را در جرایم سازمان یافته بسیار مشکل می‌کرد. لیکن مقررات جدید این شرط را در مورد اموال متعلق به یک سازمان تبه‌کار حذف کرده است.

علاوه بر این مقررات جزایی، در بعد اداری نیز دستورالعمل‌هایی برای بانکها و سایر مؤسسات مالی سوئیس در زمینه مبارزه با پول‌شویی صادر شده است که برای پرهیز از اطاله کلام از ذکر آنها در می‌گذریم.

بخش راجع به اقدامات دولتها در امر مبارزه با تطهیر اموال کثیف ناشی از جرم را با اشاره به اقدامات انجام شده در یک کشور آسیایی، یعنی کشور ژاپن، به پایان می‌بریم.

علیرغم اطلاعات غیرقابل انکاری که در مورد دخیل بودن سازمان‌های تبه‌کار ژاپنی (یاکوزا) در امر قاچاق مواد مخدر و سایر جرایم مهم در سطح بین‌المللی و نیز همکاری پول‌شویان ژاپنی با کارتل‌های مواد مخدر در آمریکای لاتین وجود دارد این موضوع کمتر مورد بحث واقع شده است، و این امر با توجه به اهمیت شهر توکیو به عنوان یک مرکز مالی بین‌المللی موجب تعجب است. در واقع تا قبل از انعقاد «کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و روان‌گردان» (کنوانسیون وین) در دسامبر ۱۹۸۹، واژه پول‌شویی کمتر به گوش مردم ژاپن خورده بود و بسیاری از مردم، و حتی دولت ژاپن، این را مشکلی می‌دانستند که خارجیان برای ژاپن به ارمغان آورده‌اند. برعکس ژاپنی‌ها که مشکلی به نام پول‌شویی را به رسمیت نمی‌شناختند، مقامات آمریکایی سعی می‌کردند که

تلاش‌های «یاکوزا» برای سرمایه‌گذاری وجوه حاصل از جرایم آنها در آمریکاناکام بماند. تحقیقات سنای آمریکا نشان می‌دهد که «صدها میلیون دلار» عواید ناشی جرم توسط «یاکوزا» در هتل، زمین‌های گلف و سایر اموال غیرمنقول در سراسر آمریکا سرمایه‌گذاری شده است. یکی از وابستگان به «یاکوزا» در مقابل کمیته تحقیقات سنا شهادت داد که حدود ۵۰ ملک در هاوایی به مجرمان ژاپنی تعلق دارد. در سال ۱۹۹۱، درخواست ساختن کازینو در یکی از جزایر ماریانای شمالی در غرب اقیانوس آرام به دلیل وجود ظن قوی نسبت به این که تأمین مالی این طرح از محل عواید ناشی از جرم توسط «یاکوزا» انجام می‌گیرد رد شد.<sup>(۱)</sup> علیرغم کشف موارد دیگری از پول‌شویی توسط سازمان‌های تبهکار ژاپنی هم در آمریکا و هم در کشورهای مثل سوئیس، پذیرش این حقیقت توسط دولت ژاپن که این جرم مشکل بزرگی برای ژاپن می‌باشد خیلی به کندی و عمدتاً تحت فشارهای بین‌المللی انجام گرفت. به دنبال انعقاد کنوانسیون وین در دسامبر ۱۹۸۹، ژاپن آن را در دسامبر ۱۹۹۰ امضاء و در ژوئن ۱۹۹۲ مورد تأیید قرار داد. به علاوه گروه مالی ویژه، که قبلاً به آن اشاره کردیم، در ژوئن ۱۹۸۹ طی اجلاس اقتصادی کشورهای گروه هفت، که ژاپن نیز عضو آن است، تشکیل شد. در آوریل ۱۹۹۰، این گروه چهل توصیه به کشورهای عضو کرد و در پاسخ به این توصیه‌ها وزارت دارایی ژاپن در همین سال بخشنامه‌ای صادر کرد و از سازمان‌های مالی ژاپن خواست که اقدامات بازدارنده‌ای را علیه پول‌شویی انجام دهند. به دنبال این اقدامات اداری، در اکتبر ۱۹۹۱ «قانون خاص مواد مخدر» تصویب شد که پول‌شویی را جرم دانسته و وظایفی را برای بانکها و سایر مؤسسات مالی ژاپن در این زمینه به رسمیت شناخته است. متعاقب این قانون سه دستورالعمل اجرایی نیز از سوی هیأت وزیران صادر شد. نکته‌ای که در مورد ماهیت این جرم در ژاپن قابل ذکر می‌باشد این است که قانونگذار ژاپن، برخلاف توصیه پنجم مندرج در گزارش گروه مالی ویژه، این جرم را فقط در ارتباط با قاچاق مواد مخدر در قانون پیش‌بینی کرده است.

#### هوظیفه قانونگذار ایران

در بخش‌های قبلی این مقاله تا حدودی با خطر پول‌شویی در برهم زدن نظام اقتصادی کشورها و نیز ایجاد انگیزه برای رهبران باندهای تبهکار در تداوم فعالیت‌های

مجرمانه‌شان آشنا شده، و ملاحظه کردیم که، به موجب کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد راجع به مواد مخدر، کشورها موظف به جرم شناختن عمل پول‌شویی شده‌اند. همچنین گوشه‌ای از فعالیت‌های انجام شده در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی برای مبارزه با این عمل را مرور کردیم. متأسفانه قانونگذار ایران در این زمینه همپای بقیه کشورهای جهان گام برنداشته، به طوری که نه تنها اذهان مردم عادی بلکه حتی اذهان مسؤولان بانکها و سایر مؤسسات مالی کشور نیز نسبت به ماهیت این عمل و خطرات آن و لزوم مقابله جدی با آن روشن نشده است، در حالی که مثلاً در کشوری مثل بوتسوانا در سال ۱۹۹۰ «قانون عواید حاصل از جرایم مهم» از تصویب گذشته و به مبارزه با پدیده پول‌شویی پرداخته است.

البته ناگفته پیداست که کشور ما نیز، مثل سایر کشورهایی که در نظام بانکی آنها محدودیت‌های ارزی حاکم است، محل جذابی برای پول‌شویان بین‌المللی محسوب نمی‌شود تا مایل باشند که با استفاده از بانک‌های ایران پول‌های کثیف خود را تطهیر و آنها را وارد شبکه بانکی بین‌المللی نمایند، ولی در هر حال نباید فراموش کرد که، اولاً، عمل تطهیر پول ممکن است توسط باندهای داخلی و نسبت به پول ملی نیز انجام گیرد و خود به همین دلیل است که در برخی از کشورها مثل آمریکا - به موجب «قانون کنترل پول‌شویی» مصوب سال ۱۹۸۶ - عمل پول‌شویی در دو شق داخلی و بین‌المللی آن جرم شناخته شده است. در ایران با توجه به آمار موجود، جرایم مرتبط با مواد مخدر بالاترین میزان جرایم ارتكابی در سطح کشور را تشکیل می‌دهند. بدیهی است قاچاقچیان و فروشندگان مواد مخدر نیازمند تطهیر و تبدیل پول‌های گزاف حاصل از فروش مواد مخدر و استفاده از آنها برای خرید مواد بیشتر می‌باشند و شک نیست که این پول‌های نقد فراوان به شبکه بانکی یا بازار ارز و سکه و نظایر آنها راه پیدا می‌کنند. مبارزه با تطهیر این پول‌ها از طریق کنترل بانکها و بازار ارز و سکه و غیره می‌تواند تأثیر فراوانی در کم کردن میزان قاچاق مواد مخدر داشته باشد، چرا که تطهیر پول در واقع خونی است که برای ادامه حیات قاچاقچیان مواد مخدر لازم است. نکته دوم این که چون بانک‌های ما چند سالی است که نسبت به افتتاح حساب‌های ارزی اقدام می‌نمایند، احتمال سوءاستفاده از این حساب‌ها نیز از سوی پول‌شویان بین‌المللی وجود دارد.

بنابراین انجام اقداماتی در جهت ایجاد یک وظیفه و تعهد قانونی برای بانکها، جواهر

فروشی‌ها، صرافی‌ها یا مؤسسات مالی دیگر در شناسایی مشتریان خود و لزوم دقت در اخذ مبالغ کثیر پول نقد و گزارش کردن موارد مشکوک به مقامات قانونی و پیش‌بینی مجازات کیفری برای آنها در صورت عدم انجام این کار کاملاً ضروری به نظر می‌رسد و می‌تواند کشور ما را از این لحاظ به سایر کشورهایی که تاکنون در این مورد اقدامات مؤثری انجام داده‌اند نزدیک سازد. در کنار این اقدام باید این عادت و رویه در کشور ما که انجام دادن معاملات کلان به صورت نقد یا گرفتن و دادن پول‌های نقد کلان در بانکها کاملاً معمول می‌باشد تغییر یافته و روش‌هایی برای عادت دادن مردم به انجام معاملات به وسیله چک، کارت‌های اعتباری و پول الکترونیکی و نظایر آنها به جای پول نقد به کار گرفته شود. بدین ترتیب بهتر می‌توان منبع پول‌های نامشروع را یافته و یا حتی اقدامات مورد نظر دولت - مثلاً اخذ مالیات - را در مورد پول‌ها و ثروت‌های مشروع عملی ساخت.

از این‌ها گذشته، همان‌طور که در بحث از اقدامات برخی از کشورها اشاره کردیم، این جرم باید از پول‌شویی، آن هم در رابطه با قاچاق مواد مخدر، فراتر رود و با جلوگیری از تطهیر یا تبدیل عواید ناشی از همه جرایم مهم انگیزه ارتکاب این جرایم را در مجرمین، به ویژه مجرمین سازمان‌یافته، از میان ببرد. به عبارت دیگر مقنن ما باید راه‌حلی بیندیشد که تمامی مجرمین را از بهره‌مند شدن از عواید جرایم‌شان محروم سازد. البته در حال حاضر، در موارد خاصی چنین موادی در قانون ملاحظه می‌شوند، از جمله ماده ۵۲۲ «قانون مجازات اسلامی (مبحث تعزیرات)» مصوب سال ۱۳۷۵ در مورد جرم تهیه و ترویج سکه قلب اشعار می‌دارد: «علاوه بر مجازات‌های مقرر در موارد ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ کلیه اموال تحصیلی از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می‌شود.» به نظر می‌رسد که قانونگذار در این ماده به مصادره اموال متعلق به شخص مجرم، به عنوان یک مجازات تعزیری اشاره دارد و نه به بازپس گرفتن اموال مردم از وی، چرا که در حالت اخیرالذکر نام این عمل را نمی‌توان «تعزیر» گذاشت و ضبط مال به نفع دولت هم در چنین حالتی منطقی به نظر نمی‌رسد، چرا که در این حالت مال را باید به صاحب آن، اعم از دولت یا سایر اشخاص، مسترد داشت (شبیبه آنچه که قانونگذار در ماده ۴ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» مصوب سال ۱۳۶۷ پیش‌بینی کرده است).

بنابراین، مصداق و نمونه بارز ماده وقتی است که کسی با شمشهای طلای متعلق به



خود اقدام به ساختن سکه‌های طلای تقلبی می‌کند. در چنین صورتی، مطابق این ماده کلیه سکه‌ها به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می‌شوند و مجرم نمی‌تواند به استناد این که سکه‌ها از شمشهای طلای متعلق به خود او ساخته شده‌اند استرداد آنها را به همان شکل (یا لااقل به شکل آب شده) درخواست نماید.

ماده ۶۶۲ «قانون تعزیرات» مصوب سال ۱۳۷۵ در اشاره به جرم مداخله در مال مسروقه نیز در این زمینه قابل ذکر است. قانونگذار در این ماده تحصیل، مخفی یا قبول نمودن و مورد معامله قرار دادن مال مسروقه را، در صورتی که توسط کسی با علم یا ظن اطمینان‌آور نسبت به مسروقه بودن مال انجام گردد، جرم و قابل مجازات دانسته است، و در صورتی که وی این کار را به عنوان بخشی از حرفه خود انجام دهد مجازات او را، طبق قسمت اخیر ماده، تا حداکثر مجازات مندرج در ماده تشدید کرده است. به نظر می‌رسد که برای جلوگیری از منتفع شدن مجرمین از عواید حاصل از جرم، و در نتیجه از بین بردن انگیزه اصلی ارتکاب جرم در مجرمین، قانونگذار باید مفاد این ماده را به اموال تحصیل شده از طریق ارتکاب سایر جرایم مالی، از جمله کلاهبرداری، خیانت در امانت و اخاذی نیز تسری دهد، که این روش توسط قانونگذاران انگلستان و فرانسه مورد تبعیت واقع شده است. از این بالاتر، به نظر می‌رسد که تسری مفاد این ماده به اموال تحصیل شده از سایر جرایم غیرمالی هم که به هر دلیل منجر به تحصیل مال شده‌اند، مثل قتل، گروگان‌گیری و آدم‌ربایی (موضوع ماده ۶۲۱ «قانون مجازات اسلامی - مبحث تعزیرات» مصوب سال ۱۳۷۵) که در آنها فرد به دلیل مزدور شدن یا از طریق باج‌خواهی اموالی را کسب کرده است کاملاً ضروری باشد. عنصر مادی این جرم نیز باید گسترش داده شده و علاوه بر تحصیل، مخفی یا قبول نمودن و یا مورد معامله قرار دادن، مواردی مثل خارج کردن مال از کشور یا مساعدت به خارج کردن آن از کشور را هم در برگیرد.

اشکال دیگری که در ماده ۶۶۲ به نظر می‌رسد و باید با رفع آن نسبت به تعمیم مفاد ماده به همه عواید ناشی از جرایم مهم اقدام کرد آن است که با توجه به فحوای کلام قانونگذار در متن ماده این ابهام وجود دارد که حکم ماده فقط شامل افرادی غیر از مجرمین اصلی می‌شود، پس اگر سارقی مالی را بدزدد و بعد آن مال را به فروش برساند وی تنها به ارتکاب جرم سرقت محکوم خواهد شد و دیگر نمی‌توان وی را به دلیل فروش مال مسروق

به موجب ماده ۶۶۲ محکوم کرد. هر چند که نگارنده معتقد است که، لااقل در برخی از انواع این جرم، سارق را هم می‌توان بر اساس ماده ۶۶۲ محکوم کرد (و خوانندگان برای تفصیل بحث می‌توانند به کتاب جرایم علیه اموال و مالکیت اثر نگارنده مراجعه فرمایند)<sup>(۱)</sup> لیکن با توجه به ابهام موجود در ماده و رویه قضایی ایران، که تمایل به مستثنی کردن سارق از شمول این ماده دارد، قانونگذار باید به صراحت شمول حکم ماده را نسبت به سارقان مورد تأکید قرار دهد و با همین دیدگاه ماده را به سایر جرایم منتج به منفعت مالی هم تعمیم دهد.

در اینجا باید به این نکته اشاره کنیم که قانونگذار ایران در برخی از مواد قانونی به موضوع اموال حاصل از جرم اشاره کرده است، از جمله در مواد ۹ و ۱۰ «قانون مجازات اسلامی» مصوب سال ۱۳۷۰ و مواد ۲۸ و ۳۰ «قانون مبارزه با مواد مخدر» مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۶۷/۸/۳ و در برخی از مواد قانونی دیگر، از جمله در «قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور»، «قانون تعزیرات حکومتی در امور بهداشتی و درمانی»، «قانون راجع به جلوگیری از احتکار»، «قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان»، «قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس»، «قانون بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره»، «قانون اقدامات تأمینی»، «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» و برخی از قوانین متفرقه دیگری که جهت پرهیز از اطاله کلام از ورود به جزئیات این قوانین خودداری می‌کنیم.

مطالعات قضایی  
پرتال جامع علوم انسانی